

خوانشی بر اندیشه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه پیرامون چگونگی غیبت و راهکار برون رفت آفات و بلیات آن

محسن رحیمی جعفری^۱

چکیده

در کنار توجه کامل به قرآن و روایات برای فهم و درک بهتر آموزه‌های دینی، سخنان و سیره مراجع عظام شیعه و علما، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه به عنوان یک مرجع و عارف عامل به دستورات اسلام، گزینه‌ای مناسب برای الگوی عملی آموزه‌های مهدویت در موضوعات مختلف است. این نوشتار، مسئله غیبت و علل آن و نیز ابتلائات در دوران غیبت و راهکار برون رفت از آن را در سخنان و بیانات وی، مورد مذاقه قرار داده است. روش این پژوهش، کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحقیق کامل در کتاب حضرت حجت، مشتمل بر سخنان و نکات بیان شده آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در سال‌های متمادی است که به دست شاگردان وی به رشته تحریر در آمده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است: نحوه زندگی حضرت در دوران غیبت، در سخنان آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه چگونه است؟ علل غیبت چیست؟ همچنین نبود امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت برای شیعیان موجب چه بلاهایی شده است؟ و سؤال پایانی، چگونگی برون رفت از این ابتلائات در دوران غیبت در کلام آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه است که در این نوشتار به تفصیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: امام زمان علیه‌السلام، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، چگونگی غیبت، علل غیبت، ابتلائات غیبت، برون رفت از ابتلائات.

۱. دانش آموخته سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت، پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا

مقدمه

در طول تاریخ تشیع، عالمان دین همیشه در مقام بیان و شرح معارف احکام شرعی و مسائل اعتقادی شیعیان بوده‌اند. این مسیر با نام‌لایماتی روبه‌رو بوده است؛ ولی تلاش عالمان شیعه در این باره، ستودنی است.

روش علمای شیعه در انجام این رسالت خطیر متنوع بوده است؛ چرا که برخی به صورت روشمند و ارائه تألیفات، ایفای نقش می‌کردند و برخی به صورت تدریس و شاگردپروری که نوشتن مطالب تحت عنوان تقریر درس استاد، بر عهده شاگردان بود. برخی عالمان نیز با نوشتن نامه به افرادی خاص و تأثیرگذار، این وظیفه را به سرانجام می‌رساندند و در نهایت، برخی هم با سخنان خود در سالیان متمادی، این وظیفه را به سرانجام می‌رساندند.

البته برخی موضوعات، همانند مطالب فقهی و غیره، بیشتر حالت نوشتاری داشته است؛ ولی در مباحث مهدوی، برخی عالمان تراز اول در طول تاریخ غیبت، دست به قلم شده‌اند و غالب مراجع، مطالب خود را به صورت سخنرانی یا صحبت‌هایی در جمع خواص گفته‌اند. حتی امام خمینی ره یا برخی مراجع گذشته، همانند آیت‌الله گلپایگانی یا آیت‌الله اراکی، کتاب مستقلی درباره امام زمان عجل‌تعالیه ندارند. همچنین در مورد آیت‌الله بهجت ره تمام مطالب مهدوی وی از طریق پیاده کردن سخنرانی‌ها و صحبت‌های او در جمع شاگردان است.

مطلب دیگر اینکه در تألیف، مطالب بر اساس یک روش علمی و ترتیب منطقی است و مطالب پیرامون یک موضوع، طبق فهرستی منطقی که در ذهن نویسنده شکل گرفته، همه در یک جا آورده می‌شود؛ ولی در سخنرانی چنین نیست و محقق، خود باید تمام مطالب را با دقت بخواند و موضوع مورد تحقیق خود را از اصل یا فحوای کلام تحصیل، یا با تطبیق بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام یک مطلب را برداشت کند؛ چرا که سخنرانی، برای افراد مختلف در مراسم و مناسبات مختلف و با سبک‌های گوناگون بیان شده است و نویسنده باید این مطالب را سیر منطقی و علمی ببخشد.

در مورد مرحوم آیت‌الله بهجت ره، کتاب‌های متعددی نوشته شده است که معمولاً ارتباطی با مهدویت ندارد و نوشته‌های مهدوی هم که وجود دارد، مطالبی است که نویسندگان به آیت‌الله بهجت ره نسبت می‌دهند که هیچ یک تحت نظر دفتر معظم له و شاگردان ایشان نیست. در کتب

پیااده شده از درس خارج وی هم به ندرت مطلب مهدوی هست. تنها کتاب مرجع درباره امام زمان علیه السلام کتاب حضرت حجت است که چون نص سخنان و نکات آیت الله بهجت رحمته الله علیه می باشد و از سوی مؤسسه نشر آثار و تحت نظر دفتر وی چاپ شده، بهترین متن برای استناد به کلام و نظر ایشان است. با توجه به کثرت موضوعات مهدوی در این کتاب، نویسنده در این نوشتار، فقط موضوع غیبت را در چهار محور بررسی کرده است: ۱. چگونگی غیبت؛ ۲. علل غیبت؛ ۳. ابتلائات شیعیان در دوران غیبت؛ ۴. راه برون رفت از این ابتلائات.

درباره پیشینه این مقاله، با تحقیق انجام شده، تنها مقاله مهدوی در مورد آیت الله بهجت رحمته الله علیه، مقاله «آیت الله بهجت رحمته الله علیه و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت» نوشته عبدالله فراتی از دانشگاه باقرالعلوم است^۱ که درباره مباحث سیاسی و حکومتی در دوران غیبت می باشد و با بحث ما ارتباطی ندارد. البته مقالاتی برای همایش العبد؛ بزرگداشت آیت الله بهجت رحمته الله علیه در حال نوشتن است که موضوعات مهدوی را شامل می شود؛ ولی هیچ کدام درباره غیبت حضرت نیست؛ لذا پیشینه خاصی یافت نشد.

دوران غیبت در کلام آیت الله بهجت رحمته الله علیه

همانند دیگر عالمان دغدغه مند برای جامعه شیعی حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه در بحث غیبت، سه محور را در بیانات و سخنان خویش مد نظر قرار داده اند:

چگونگی غیبت

از آنجا که شیوه نوشتن کتاب حضرت حجت، پیااده کردن سخنان و نکات خاص آیت الله بهجت رحمته الله علیه در جلسات گوناگون درباره امام زمان علیه السلام است، طرح مباحث با ساختار یک نوشته روشمند از حضرت ایشان مبتنی بر کتاب حاضر، مقدور نیست و بدیهی است که نویسنده این سطور با دقت در گفته ها و نکات آیت الله بهجت رحمته الله علیه مطالب مربوطه را استخراج کرده است.

۱. فراتی، عبدالوهاب، «آیت الله بهجت و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت»، مجله علوم سیاسی، ش ۴۵، ص ۹-۲۸.

چگونگی غیبت حضرت حجت علیه السلام:

در این مورد، معظم له نوعی از ارتباط حضرت با شیعیان در زمان غیبت را با بیانات عاطفی مورد توجه قرار داده‌اند:

آیا حضرت صاحب علیه السلام که از دست دشمن‌ها در پشت پرده غیبت است، از دوستانش هم غافل است که هر چه بر سرشان آمد، آمد؟ ... خدا می‌داند آن حضرت تا به حال چه کرده و چه می‌کند.^۱

یا در سخن دیگری می‌فرماید:

بعضی وقت‌ها انسان می‌بیند یک حال خوشی دارد، حالت نورانی دارد؛ نمی‌داند علتش چیست. هر چه فکر می‌کند، نه کار خاصی کرده، نه نماز خاصی خوانده، هیچ کاری نکرده است. نمی‌داند در کوچه‌ای، در جایی، رد می‌شده و فقط به نحو گذرا حضرت از کنارش رد شده است. این نورانیت و حال خوش، به همین جهت در این شخص ایجاد شده است.^۲

سپس گفتند:

آخر می‌شود انسان از کنار کوه ایمان رد شود و در او تاثیر نگذارد؟!^۳ در هیچ منبعی چنین روشی برای بیان چگونگی غیبت حضرت نوشته نشده است. در عین سادگی و عاطفی بودن، خیلی زیبا انواع ارتباط منتظر و منتظر در دوران غیبت را بیان کرده باشد که عبارت است از:

یک. در دوران غیبت، امام از شیعیان و محبان خود جدا نیستند. غیبت بدین معنا نیست که شیعیان به امام خود دسترسی ندارند.

دو. امام در جامعه و در بین مردم زندگی می‌کنند و فرد در کنار حضرت قرار می‌گیرد. او اگر چه متوجه نمی‌شود، از حضرت تاثیر معنوی می‌گیرد. این معنا در روایات ما هم آمده است:

۱. بشارت‌های حضرت حجت، ص ۶۰.

۲. همان.

۳. همان.

عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب أنه قال يوماً لحذيفة بن اليمان: ... فوب على، إن حجتها عليها قائمة ماشية في طرقها، داخلة في دورها وقصورها جواله في شرق هذه الأرض وغيرها، تسمع الكلام، وتسلم على الجماعة، ترى ولا ترى إلى الوقت والوعد، ونداء المنادى من السماء ألا ذلك يوم [فيه] سرور ولد على وشيعته؛

اميرالمؤمنين عليه السلام روزی به حذيفة بن یمان فرمودند: «به خدای علی قسم، حجت امت بر روی زمین، ایستاده و روی آن گام برمی دارد، به خانه ها و کاخ هایشان داخل می شود، در شرق و غرب زمین در گردش است، گفته ها را می شنود و بر جماعت آنان سلام می کند. او می بیند؛ اما دیده نمی شود، تا زمان و وعده مشخص و زمانی که منادی از آسمان آواز دهد که «هلا، آن زمان، روز شادی فرزندان علی و شیعیان او است.»^۱

سه. چنین نیست که در زمان غیبت، هر بلایی که بر سر شیعیان و مظلومان بیاید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه دست روی دست بگذارند و کاری برای شیعیان و مظلومان جهان انجام ندهند؛ بلکه حضرت کارهای بزرگی برای حل مشکل آن ها انجام می دهند. اینکه ما نمی توانیم ببینیم، دلیل بر این نیست که حضرت برای مظلومان و محبان خویش در مشکلات و گرفتاری ها هیچ کاری انجام نمی دهند. غیبت، دست حضرت را برای کمک به مؤمنان و پیروان خویش نبسته است.

چگونگی تکلیف مداری شیعیان در زمان غیبت: در مورد چگونگی انجام تکالیف شرعی مکلفان در دوره غیبت می فرماید:

در زمان غیبت، ما باید به همین رساله های عملیه صحیحه عمل کنیم. حضرت عجل الله تعالی فرجه به عمل به همین، از ما راضی است.^۲

آنچه در زمان غیبت، شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام را در حیرت فرو برد، صرف چگونگی راه دسترسی به حضرت نبود؛ بلکه مطلب مهم، چگونگی انجام تکالیف شرعی بود که پاسخ سؤالات

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ الغیبة، ترجمه محمدجواد غفاری، ص ۱۹۹.

۲. حضرت حجت، ص ۶۷.

شرعی و وظایف عملی خود را از سوی چه کسانی و از کجا به دست بیاورند. مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته، برون رفت از این حیرت مهم را در مراجعه و عمل به رساله‌های عملیه صحیح می‌داند که همیشه در دسترس شیعیان بوده است.

در اهمیت این مسئله، همین بس که امام زمان علیه السلام در آخرین توفیق شریف، به این وظیفه مهم شیعیان چنین اشاره فرمودند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.^۱»

امکان رؤیت در زمان غیبت: آیت‌الله بهجت رحمته طبق نوشته‌های رایج، چگونگی غیبت حضرت را به صورت دسته‌بندی بیان نکرده است؛ ولی در بحث تشرفات به خوبی این بیان را دارد: یک. برخی حضرت را ندیدند و فقط عنایت حضرت نصیب آن‌ها شد؛ بلکه در [روایت] «من ادعی المشاهده»^۲ آمده است. مشاهده، سماع صوت را که در بر نمی‌گیرد. خیلی‌ها می‌گویند: ما فرمایش آن حضرت را شنیدیم؛ به طوری که یقیناً [فهمیدیم صدای] خود حضرت است؛ در مسجد سهله، جمکران، این طرف و آن طرف.^۳

این بیان وی به روایاتی اشاره دارد که حضرت، قابل دیدن نیستند:

عبید بن زرارة قال: سمعت ابا عبد الله يقول: يفقد الناس امامهم يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه؛^۴ عبید بن زراره می‌گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «مردم، امام خود را نیابند. امام در مراسم حج حاضر شود و مردم را ببینند؛ ولی آن‌ها او را نبینند».^۵

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. او حتی برای کسانی مثل سید بن طاووس که به قول محدث نوری باب دیدار برایشان مفتوح بوده، محدودیت قائل است و می‌گوید: «اما [این تشرفات] به اختیار حضرت بوده، نه به اختیار خودش» (حضرت حجت، ص ۲۳۲).

۳. حضرت حجت، ص ۳۱۵-۳۱۶ پاورقی و ص ۳۱۸.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۵. اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۳۶.

دو. در بحث تشرفات، آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه به افرادی اشاره دارند که حضرت را دیده‌اند و نشناخته‌اند که بسیاری از تشرفات، این چنین بوده و هست: «می‌گوید [در ابتدا حضرت را] نشناختم، تا بعد از اینکه تشریف بردند، چیزهایی که دیده بودم، دلیل بود بر اینکه او خود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه است.»^۱ یا تشریف سید مهدی قزوینی که آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه درباره‌اش چنین می‌گوید: «علی ای حال خبرهای زیاد و قضایای زیادی در این دیدار مطرح شده بود. با این احوال، ایشان متوجه نشده بود که این آقا کیست؟ می‌گوید: بعد از اینکه تشریف بردند...»^۲

این بیانات آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه هم به گروه دوم احادیث اشاره دارد: «مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْعَمْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيُخْضَرُ أَمْوِسِمَ كُلِّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرُونَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»^۳ به خدا قسم، صاحب الامر، هر سال در مراسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد؛ ولی مردم، او را می‌بینند و نمی‌شناسند.

البته در نسبت دادن تشرفات به حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه خیلی باید دقت کرد. وی بیانات دقیقی دارد که خیلی از ملاقات‌های سؤال برانگیز را پاسخ می‌دهد: الی ماشاء الله حضرت را دیده‌اند و به محضر ایشان مشرف شده‌اند؛ ولو که نفهمیده‌اند. کسی را بنده سراغ ندارم و یادم نمی‌آید که بگویند من تشریف کرده‌ام و [همان لحظه] شناختم و فهمیدم که محضر چه کسی هستم.^۴

لذا بر خلاف آنچه در برخی نظر مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در رابطه با دیدار را جوری مطرح می‌کنند که ایشان نظری برخلاف دیدگاه مشهور دارند؛ سخنان ایشان همان نظر مشهور را تایید می‌کند.

۱. حضرت حجت، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۲۵-۳۲۷.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

۴. همان، ص ۳۴۳.

حکمت ها و علل غیبت

از آنجا که این پژوهش، مبتنی بر سخنان و اشارات و نوشته‌های مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه است، تنها به حکمت‌ها و دلایلی از غیبت پرداخته خواهد شد که در کلام او است و از فلسفه و علل دیگر در رابطه با غیبت، کمتر یاد خواهیم کرد.

عدم بیعت با ظالمان

مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، عدم بیعت حاکمان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه را اولین علت غیبت حضرت بیان می‌کند:

سبب تأخیر ظهور آن کسی که صاحب ولایت است، به عقیده ما این است که ظالمین معاصر زمان او می‌گویند: یا بیعت کن، یا تو را می‌کشیم. حضرت مأمور نیست بیعت کند؛ لذا ظهورش تأخیر می‌افتد، تا زمانی که کسی نگوید یا بیعت کن یا کشته می‌شوی. حضرت با حکومت‌های زمان خودش اختلاف داشته است. حکومت‌ها می‌گفتند: باید به ما ایمان بیاوری و بیعت کنی؛ و الا تو را می‌کشیم.^۱ همه ائمه، مصیبت زده بودند به اینکه آن کسی که مدعی حکومت حقّه و از اولاد آن‌ها است و ظهور خواهد نمود، او دیگر با کسی از حکومت‌های فاسد بیعت

۱. «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَبَعَّ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةَ لَطَاعِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَلَفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُعْتَبِ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ؛ أَيَا نَمِي دَانِيدَ كِه هِيچ بِيك از ما ائمه نيست، مگر اينكه بر گردن او بيعتي با طغيانگر و سرکش زمانش هست؛ به جز قائم كه روح خدا، عيسى بن مريم عليه السلام پشت سر او نماز مي‌خواند. پس همانا خدای عز و جل ولادت او را مخفی می‌کند و شخص او را از نظرها غایب می‌نماید، تا بیعتی با احدی بر گردنش قرار نگیرد» (صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۶).

نمی‌کند^۱ و اگر بیعت نکند، کشته می‌شود، و او هم مأمور به بیعت نیست؛ لذا ناچار از غیبت است، تا آن وقتی که [مصلحت] محقق شود و آن موقع، ظهور می‌کند.^۲

در رابطه با عدم بیعت بر گردن حضرت در هنگام ظهور، مجموعاً ده روایت در منابع شیعی آمده است^۳ که اگر بر این تعداد، «استفاضه» اطلاق شود، طبق مبنای عالمان رجال، از بحث سندی بی‌نیاز هستیم.^۴

معنای لغوی و اصطلاحی بیعت

در مجمع البحرین آمده است: «مبايعت، معاقدہ و معاہدہ است. گویی هر کدام از دو طرف بیعت، آنچه نزدش هست را به دیگری واگذار کرده و خود را کاملاً در اختیار طرف مقابل قرار می‌دهد.»^۵ فراهیدی می‌گوید: «والبیعه: الصَّفَقه علی ایجاب البیع و علی المبايعۃ والطاعة (وقد تبایعوا علی کذا؛ بیعت یعنی دست روی دست گذاشتن به انگیزه بیعت و اطاعت و پیروی از يك چیز خاص).»^۶

مرحوم موسوی اصفهانی صاحب مکمال المکارم نیز در توضیح بیعت می‌گوید: «با توجه به این معنا، بیعت‌کننده ملتزم شده و عهد محکم و پیمان استوار بسته است به اینکه شخصی را که با وی بیعت نموده، با جان و مال خود یاری کند و از هیچ چیز در راه یاری و نصرت او دریغ ننماید.»^۷

در این صورت اگر امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام غایب باشند، کسی بر گردن ایشان حقی نخواهد داشت که به پاس آن، ملزم به رعایت او باشند؛ چنانکه فرعون به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام گفت: «ألم تُرَبِّکَ فینا ولیداً

۱. امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ نامه اسحاق بن یعقوب درباره یکی از وجوه غیبت خود چنین فرمودند: «إِنَّهُ لَمْ یَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عِلاً وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ جِبِينَ أَخْرُجُ وَ لَا تَبِيعَةٌ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَّتِ فِي عُنُقِي...» بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود؛ اما من وقتی خروج کنم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ الغیبه (طوسی)، ص ۲۹۲).

۲. آیت الله بهجت، بشارت از حضرت حجت، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۳. رحیمی جعفری، محسن، حقیقت غیبت از منظر روایات، ص ۱۱۶-۱۳۵.

۴. آیت الله خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۵۰.

۵. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴۵، ذیل بیع.

۶. کتاب العین، ج ۱، ص ۲۰۸، ذیل بیع.

۷. اصفهانی، مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲.

وَلَيْتَ فِينَا مِنْ عُمَرُكَ سَنِينَ؛ آیا ما تو را میان خودمان از بچگی تربیت نکردیم و تو مقداری از عمر خود را میان ما نگذراندی؟». یا مشکلی که برای بیعت پیامبر ﷺ وجود داشت که پیامبر می‌فرماید: «اگر ترس از آن نبود که بگویند: محمد، قوم خود را دعوت کرد و ایشان او را خدمت و نصرت کردند، و چون ظفر یافت و به مقصود رسید، ایشان را از میان برداشت، هر آینه بسیاری را به هلاکت می‌رساندم.»^۲

از همان بیان ابتدایی مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله پیدا است که اصل پیدایش علت غیبت، حاکمان ظالم معاصر در آن زمان هستند؛ چرا که در صورت عدم بیعت، به جز کشته شدن، راه دیگری در برابر حضرت وجود نداشت. التزام به بیعت با کفار، با قیام حضرت و گستراندن عدالت در تمام جهان منافات دارد و در آن صورت، دست حضرت برای اقدامات کامل و نتیجه‌ای که وعده حتمی الهی است باز نخواهد بود و باید با عده‌ای از ظالمان سازش داشته باشد؛ لذا هم در شروع و هم در امتداد این علت غیبت، حاکمان ظالم هر عصر نقش دارند و چاره‌ای جز غیبت نیست؛ چرا که وقتی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه در غیبت است، بیعت با حاکمان ظالم هم منتفی خواهد بود.

بنابراین مطابق دیدگاه آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در پیدایش این علت و امتداد آن، مؤمنان و شیعیان نقشی ندارند؛ بلکه وجود حاکمان ظالم و اجبار بیعت با آن‌ها سبب غیبت بیان شده است. شیعیان، به بیعت سفارش شده‌اند؛ چنانکه در روایت آمده است: **بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمُقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرِيْلُ يَنَادِي: اَلْبَيْعَةَ لِلّٰهِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.**^۳ بیعت مورد نهی در روایات، بیعت حضرت با حاکمان ظالم است؛ ولی بیعت مثبت و سفارش شده، بیعت پیروان با حضرت می‌باشد.

۱. سوره شعراء: ۱۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۱، ح ۱۲۳.

۳. الغيبة (طوسی)، ص ۴۵۳.

خوف از قتل توسط دشمنان

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید: «سبب غیبت امام زمان علیه‌السلام خود ما هستیم؛ زیرا دستمان به او نمی‌رسد؛ والا اگر در میان ما بیاید و ظاهر و حاضر شود، چه کسی او را می‌کشد؟ آیا جنیان آن حضرت را می‌کشند، یا قاتل او انسان است؟ ما از پیش، در طول تاریخ ائمه علیهم‌السلام امتحان خود را پس داده ایم که آیا از امام تحفظ و اطاعت می‌کنیم یا اینکه او را به قتل می‌رسانیم. انحطاط و پستی انسان به حدی است که قوم حضرت صالح علیه‌السلام ناقه صالح را با اینکه وسیله ارتزاق و نعمت آن‌ها بود، پی کردند. قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ؛ سهمی از آب برای ناقه باشد و روز معینی هم سهمی از آب برای شما باشد». ^۱ آن ناقه، یک روز آب چاه را می‌خورد و در عوض به آن‌ها شیر می‌داد. بنابراین، همان‌گونه که ممکن است عقلاً خزینه و انبار نعمت خود را نابود کنند - همچنان که ناقه صالح را کشتند - امکان دارد که ما انسان‌های عاقل. ^۲ در منابع شیعه بیش از پانزده روایت درباره خوف از قتل هست ^۳ که با عبارات گوناگون بر این علت تأکید دارد. البته حفظ جان، بر حضرت هم لازم است. جناب سید مرتضی در **المقنع** می‌گوید: «دوری جستن از ضررها بر هر کس عقلاً و شرعاً واجب است». ^۴ شیخ طوسی در کتاب **الغیبة** می‌گوید: «در صورت ترس از قتل، غیبت بر حضرت واجب است». ^۵ همچنین این علت در بیشتر منابع شیعی آمده است. ^۶ حتی برخی علمای متاخر، این علت را تنها دلیل غیبت دانسته‌اند. شیخ طوسی می‌فرماید: «غیر از ترس از کشته شدن، هیچ علتی مانع از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام نیست» و روایات فراوانی را در بیان این علت می‌آورد. ^۷ وی ذیل روایتی، استمرار غیبت را به استمرار خوف

۱. سوره شعراء: ۱۵۵.

۲. حضرت حجت، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۳. رحیمی جعفری، حقیقت غیبت از منظر روایات، ص ۱۳۶-۱۵۸.

۴. سید مرتضی، امامت و غیبت در دیدگاه علم کلام (ترجمه المقنع فی الغیبة)، ص ۵۶.

۵. طوسی، الغیبة، ص ۹۰.

۶. کافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۱؛ الغیبة (طوسی)، ص ۳۳۳؛

الغیبة (نعمانی)، ص ۱۷۴.

۷. شیخ طوسی، الغیبة (طوسی)، ص ۹۰.

از قتل وابسته می‌داند و عنوان می‌کند که در صورت ترس از قتل، غیبت بر حضرت واجب است و سخن خود را به عمل پیامبر ﷺ در شعب ابی طالب و پناه بردن به غار مستند می‌کند.^۱ با توجه به وجود قرینه در کلام آیت‌الله بهجت رحمته و دلایل دیگر، سبب اینکه وی فرمود: «علت غیبت خود ما هستیم» به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام ارتباطی ندارد که به برخی موارد اشاره می‌شود:

یک. او می‌گوید: «حضرت را چه کسی می‌کشد؟ جنیان یا انسان؟» پس منظور او از «ما»، خارج کردن جنیان است و اینکه حضرت به دست انسان کشته خواهد شد.

دو. او دو مثال می‌آورد؛ یکی شهادت ائمه علیهم السلام و دیگری، پی کردن شتر حضرت صالح که هر دو واقعه به دست دشمنان خدا و دشمنان حجت‌های خداوند بین انسان‌ها اتفاق افتاده است و ارتباطی با مؤمنان و شیعیان در رابطه با اهل بیت علیهم السلام و مؤمنان و پیروان در رابطه با حضرت صالح نداشته است.

سه. کلمات دیگر آیت‌الله بهجت رحمته که می‌فرماید: «چه نعمت بزرگی را از ما گرفتند و چه گناه عظیمی را مرتکب شدند که بین ما و وصی پیغمبر صلی الله علیه و آله جدایی انداختند»،^۲ همچنین: «آری؛ با حیلوت و فاصله انداختن میان مردم و امام، نگذاشتند حتی مسئله [شرعی] یاد بگیریم، تا چه رسد به عمل به مسائل؛ لذا منصور ملعون گفت: "وَاللّٰهِ، لَأَقْدَمَنَّ عَلَيْهِمْ تَيْمًا وَعَدِيًّا؛^۳ به خدا سوگند، تیم و عدی را بر آنان [علویان و اهل بیت علیهم السلام] مقدم خواهم داشت".^۴

چهار. این جمله ایشان هم تصریح دارد که ظالمین عالم خوف از قتل را رقم می‌زنند:

۱. همان، ص ۳۳۲، ح ۲۷۵.

۲. حضرت حجت، ص ۱۴۶.

۳. منهاج الكرامة (علامه حلی)، ص ۶۹؛ الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۲۰۴. مقصود از تیم و عدی، قبیله‌های خلیفه اول و دوم است.

۴. همان، ص ۱۴۸-۱۴۹.

«الْمُحْتَجِبِ عَنِ أَغْيَنِ الظَّالِمِينَ وَ الْمُتَغَيَّبِ عَنِ دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ»^۱ که امام پنهان از دیدگان ستمکاران و غایب از ترس حاکمان فاسق هستند (نه محبان و شیعیان و مظلومان).

در موارد متعدد دیگری، آیت الله بهجت رحمته الله علیه فلسفه غیبت از طرف خداوند و این بلای بزرگ را از ناحیه انسان هایی دانسته است که دشمن حضرت بودند و همیشه تاریخ وجود داشتند: «همین ها - حاکمان جور قبل تا به امروز - آبا و ابناء هستند. همه این ها از همان روز اول، از سقیفه شروع شده تا به حالا. بعد از این هم تا چه زمانی هست، خدا می داند.»^۲ لذا با مطالعه مجموع کلمات آیت الله بهجت رحمته الله علیه صحت این دیدگاه که شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام در برخی علل غیبت هیچ دخلی نداشته و ندارند به آسانی قابل برداشت است. او در این زمینه از عاملان امروزی هم غافل نبوده و می فرمود: «تمام بلاها از اهل کفر است. باز هم برای نجات به آن ها پناه می بریم؟ به دشمن خدا پناه می بریم؟» «متمدن ترین دولت های امروز دنیا، آمریکا و انگلیس هستند که در تمام جنگ های دنیا در رأس قرار دارند.»^۳ حتی به ظلم هایی که به ملت های مظلوم منطقه شده، مثل شیعیان عراق توسط صدام اشاره می فرمود.^۴ در نهایت به این عبارت او اشاره می کنیم: «از دست ما که غایب نشده است. ما که مریدش هستیم و منتظر فرج هستیم و مهیا هستیم و مصلح هستیم. دشمنان و اروپا و آمریکا و کافرها، آن ها دشمن هایش هستند؛ ما که نیستیم.»^۵

حفظ کیان اسلام

آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرماید: امام عصر عجل الله فرجه برای حفظ کیان اسلام غایب شده اند، نه برای شخص خودشان.^۶

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۷.

۲. حضرت حجت، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۳. همان، ص ۸۴-۸۵.

۴. همان، ص ۱۵۷.

۵. همان، ص ۳۳۷.

۶. همان، ص ۱۴۲.

به طور معمول یکی از مهمترین وظایف و شئون رسالت پیامبر اکرم ﷺ و امام معصوم ﷺ حفظ کيان اسلام است و اين مطلب به وفور، مورد توجه متکلمان شيعه قرار گرفته است.^۱ شايد بتوان گفت در هيچ منبعی تا کنون به اين مسئله به عنوان علت غيبت اشاره نشده باشد و اين از دقت و ريزيني و کياست آيت الله بهجت ﷺ بود که در عين سکوت و سير و سلوک ممتازش، چنين دقت ها و ريزيني هايی هم داشت. ان شاء الله در ادامه، به موارد ديگری هم اشاره خواهد شد.

امتحان ايمان مردم

جابر أنصاری گفت: سوال کردم از پیامبر ﷺ ... فرمودند: «...الَّذِي يَغيبُ عَنْ شِيعَتِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ».^۲

همچنين حضرت صادق ﷺ می فرماید: [غيبت به قدری طولانی می شود که مردم] می گویند: «مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجُورِ».^۳ حتی روایتی هم دارد - اما سندش چطور است، يادم نیست - «حَتَّى يَرْجِعَ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ».^۴ يك فتنه بزرگی است؛

۱. سبحانی، جعفر، الالهيات، ج ۴، ص ۱۶؛ و جمعی از نویسندگان، انسان، راه و راهنما شناسی، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۹؛ حضرت حجت، ص ۲۲۱.

۳. گویی به روایاتی اشاره دارد که درباره طولانی شدن دوره غيبت و تزلزل ايمان مردم است. از امام صادق ﷺ روایت شده است که فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالتَّوْبَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ، وَكَلَّمْتُمْ حَتَّى يُقَالَ: "مَاتَ أَوْ هَلَكَ، بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ"، وَتَلَدَّمَعَتْ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ، وَتَكَفَّفْنَا كَمَا تُكْفَى الشُّعْرُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ، وَلا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ، وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَآيَدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ از مشهور ساختن [آن حضرت و عمل کردن برخلاف تقیته] بپرهیزید. به خدا قسم، امام شما سالیانی از روزگارتان را در غيبت به سر می برد و شما [از ناپاکی ها] خالص شوید، تا آنجا که گفته شود: "او مُرد یا آنکه هلاک شد، به کدام موضع رفت؟" و قطعاً چشمان مؤمنان بر او خواهد گریست و منقلب و دگرگون خواهید شد؛ چنانکه کشتی ها در امواج دریا دگرگون می شوند. و کسی نجات نخواهد یافت، مگر آن کس که خدا میثاق او را [پیش از این] گرفته و ايمان را در قلبش نوشته و او را به روحی از جانب خویش مؤید کرده باشد» (الامامة و التبصرة، ص ۱۲۵).

۴. ر.ک: صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.

مثل همین فتنه و بلای غیبت. بزرگان ما این راه را برای ما درست و صاف کرده‌اند؛ راهی که تمامش غلط است؛ به خاطر چهار روز [خلافت] خودشان.^۱

در اهمیت امتحان ایمان مؤمنان به عنوان علت غیبت، می‌توان از کتاب شریف کافی نام برد که مرحوم شیخ کلینی یک باب آن را به «التمحیص و الامتحان» اختصاص داده است و در این باب، شش روایت آورده است. جمعا در منابع حدیثی، سیزده روایت در رابطه با این علت وارد شده است.^۲

علاوه بر وجود روایات متواتر دال بر ضرورت امتحان برای انسان‌ها در تمام دوره‌ها خصوصاً عصر غیبت، آیات متعدد قرآن هم به این ضرورت اشاره دارد که برای تبیین بهتر به دو آیه اشاره می‌شود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛^۳ البته شما را به ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیبایان را بشارت ده». «لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ»^۴ خداوند، آن‌ها را می‌آزماید، تا بداند چه کسی در نهان، از او می‌ترسد».

تعدادی از روایات امتحان، تصریح به علت بودن این عامل ندارند؛ ولی از بعضی روایات که به علت بودن آن، اشاره دارد نیز نمی‌توان به آسانی عبور کرد؛ از جمله زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «ان للقاء غيبة قبل ان يقوم؛ قائم، پیش از قیامش غیبتی خواهد داشت» و وقتی از علت این غیبت می‌پرسد، می‌فرمایند: «[الی ان يقول] ان الله تبارک و تعالی یحب ان یمتحن الشیعه فعند ذلک یرتاب المبتلون». در این روایت، امام صادق علیه السلام تصریح می‌کنند که خداوند دوست دارد در این دوره غیبت، شیعه را امتحان کند.

۱. حضرت حجت، ص ۱۵۴ و چه بسا کلام مرحوم آیت الله بهجت به این حدیث امام صادق علیه السلام اشاره داشته باشد: «یا منصور، إن هذا الأمر لا يأتيكم إلا بعد إياس ولا والله حتى تميزوا، ولا والله حتى تمحصوا، ولا والله حتى يشقى من يشقى و يسعد من يسعد» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷).

۲. رحیمی جعفری، حقیقت غیبت از منظر روایات، ص ۱۹۵-۲۱۵.

۳. سوره بقره: ۱۵۵.

۴. سوره مائده: ۹۴.

آفات و بلیات دوره غیبت

یکی از نکاتی که در کلام مرحوم آیت الله بهجت رحمته به صورت برجسته مطرح شده، مطالب ایشان درباره مشکلاتی است که در دوره غیبت برای امام و شیعیان ایشان به وجود آمده است.

فاصله بین شیعیان و زعیم آنان

آیت الله بهجت رحمته در این باره می گوید:

همه می دانیم زعیم ما در این زمان غیبت، دست بسته و زندانی است و حق ندارد در میان جمعیت، خود را معرفی کند و نشان دهد ... بالاخره در این عصر، بین ما و زعیم ما فاصله افتاده و او گرفتار است.^۱

چنانکه قبلاً هم اشاره شد، یکی از ویژگی‌ها و اختصاصات مرحوم آیت الله بهجت رحمته این است که معارف اهل بیت علیهم السلام را برای فهم عوام مردم آنقدر ساده می کرد تا همه مخاطبان متوجه شوند و مطلب مبهمی برای ایشان باقی نماند؛ اما چگونگی دست بسته بودن حضرت و زندانی بودن ایشان برای در مجامع علمی، در جای خودش نیازمند تفصیل است.

دست بسته و زندانی بودن حضرت یا گرفتاری ایشان معنا ندارد؛ چرا که حضرت در توقیع شریف فرمودند: ... فَغَمَّمْنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا وَ سَاءَ مَا فِيكُمْ لَا فِينَا لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوْحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا...؛ اخباری از شما به من رسیده که موجب ناراحتی و غم و اندوه ما شده است، آن هم برای شما نه برای خودمان؛ چرا که خداوند با ما است و به غیر او هیچ نیازی نداریم. حق با ما است؛ پس از کسی که از ما دوری بجوید و با ما نیاید، هرگز وحشتی نداریم.^۲

نگرانی و غصه حضرت به دلیل گمراهی‌ها و گرفتاری‌های محبان ایشان و انسان‌های مظلوم عالم است و دست بسته بودن حضرت، در حقیقت به همان علت‌های غیبت و عدم ظهور حضرت برمی گردد؛ چرا که معرفی حضرت و نمایان شدن ایشان قبل از اذن خداوند برای ظهور، بر خلاف همه حکمت‌ها و علت‌های غیبت است و رسالت حضرت نیمه تمام خواهد ماند؛ لذا فرمودند:

۱. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۴۵.

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۵.

خَرَجَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعُمَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ائْتِدَاءً مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ لِيُخْبِرَ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ عَنِ الْإِسْمِ إِمَّا السُّكُوتَ وَ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا الْكَلَامَ وَ النَّارَ فَأَيُّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ؛ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ عُمَرِيُّ - رحمه الله - ابتدائاً و بدون آنکه او سؤالی پرسیده باشد، برای خبر دادن به کسانی که از اسم حضرت سؤال کرده بودند، [توقیعی به این مضمون] بیرون آمد: یا سکوت و بهشت، یا کلام و جهنم؛ چون اگر آن‌ها بر اسم حضرت آگاه شوند، آن را منتشر می‌سازند و اگر به مکان او دسترسی یابند، [مردم را] به آنجا راهنمایی می‌کنند.^۱

از طرفی هم تحمل مصائب بر مظلومان عالم در 1200 سال دوره غیبت برای حضرت خیلی گران است. گویی ایشان دست بسته و در زندان هستند. حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه همیشه یاد شیعیان هستند و به داد آنان می‌رسند^۲ و امدادهای زیادی برای درخواست‌کنندگان دارند.^۳ نگاهی به روایات عصر ظهور، برچیدن بساط ظالمان در عالم^۴ و آرامشی که خداوند برای مؤمنان پس از ظهور وعده داده است، پرده از این ناگواری‌های حضرت برمی‌دارد. حضرت فرمودند: «... وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند...»^۵.

محرومیت از منبع علم و حکمت

مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته الله در این قسمت، محرومیت و دورافتادگی شیعیان از منبع فیض بی‌انتهای ولی خدا را مطرح می‌کند و اینکه ما خودمان باید دنبال حل مسائل اعتقادی و شرعی خودمان باشیم؛ در حالی که آنان که در زمان حضور بودند، پای صحبت ولی خدا، همه چیز را فرا

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ طوسی، الغیبه، ص ۳۶۴.

۲. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵-۴۹۸).

۳. حضرت حجت، ص ۳۱۰-۳۵۷.

۴. طبسی، نشانه‌هایی از دولت موعود، ۱۳۸۶: ص ۱۴۹-۱۶۴.

۵. سوره نور: ۵۵.

می‌گرفتند و بدون تردید، در فرصت کم، مسیر زیادی را طی می‌کردند؛ چون کلام ولی خدا موجود بود:

پیامبر ﷺ در آن روایت فرمودند: اُن تَفْعَلْ كَذَا (این کار را بکنند) اُن تَفْعَلْ كَذَا، اُن تَفْعَلْ كَذَا تا چهل تا، یا سنن یا تکالیف یا مجموع سنن و تکالیف، تا چهل حدیث را جمع می‌کند در یک حدیث. در یک مجلس، چهل حدیث را این جور می‌فرماید ... چقدر محرومیت برای ما آورده شده است از اینکه ما باید چهل روز سر یک مسئله گیر باشیم و طول بدهیم. شنیده‌ام و یادم می‌آید که بعضی در یک ماه، تقریباً شانزده روز سر یک مسئله مباحثه کردند و آخرش هم مثل اینکه با احتیاط خارج شدند. این‌ها از چیست؟ از این است که [دست] عالمِ مطلق -عالم به حقایق شریعه که دیگر نگوید نمی‌دانم ... و نگوید احتیاط در مسئله- را بسته‌اند. [آن آقا] رساله نوشته است، محقق حسابی است؛ اما آخرش می‌گوید: «المسئلة غیر خالیة عن شائبة الاشکال» مسئله از شائبه اشکال خالی نیست. بیچاره چه بکند؟ نمی‌تواند؛ راه ندارد.^۱

آری؛ با حیولت و فاصله انداختن میان مردم و امام ﷺ گذاشتن حتی مسأله [شرعی] یاد بگیریم، تا چه رسد عمل به مسائل.^۲ چه می‌شد اگر کسی [امام معصوم ﷺ] را داشتیم که عالم به حقایق و شریعت بود و فیض حضور او را نیز داشتیم، تا در زمان کم، احکام را به ما تعلیم می‌کرد و نمی‌گفت: «نمی‌دانم» و یا اینکه: «آیا چنین هست و یا نیست؟» و احتیاط کنید. و به جای این همه سرگردانی و حیرت و صرف وقت در تحصیل و تعلیم، به عمل می‌پرداختیم و مشغول عمل می‌شدیم، و به معرفت خدا که برای او آفریده شده‌ایم (وَمَا خَلَقْتُ

۱. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۴۷.

۲. همان، ص ۱۴۸.

الْحِنِّ وَالْإِنْسِ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ؛ و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند، نیافریدیم^۱
دست می‌یافتیم.^۲

آیت‌الله بهجت رحمته در این مبحث، دو نکته را مورد مذاقه قرار داده‌اند؛ یکی عمل به مسائل شرعی و علم به آن‌ها و دیگری، عمل به سیر و سلوک الی الله است. در بحث مسائل شرعی در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام فهم مسئله صحیح، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است؛ برای نمونه، اختلاف در عید فطر و لیالی قدر. در بحث قضاوت نیز در عصر ظهور، به این همه دستگاه‌های عریض و طویل نیاز نیست. در روایت آمده است:

... ثُمَّ يَا مُرُّ مُنَادِيًا فَيُنَادِي هَذَا الْمُهْدِي يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يُسْأَلُ عَلَى ذَلِكَ بَيِّنَةٌ؛ و او (ملک) آواز می‌دهد: این همان مهدی است که بر طبق قضاوت داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و برای آن، گواهی نمی‌طلبد.^۳

در روایت دیگری نقل شده است:

تَقُولُ هَذَا الْمُهْدِي يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَلَا يَرِيدُ بَيِّنَةَ؛ این همان مهدی است که بر طبق حکم داوود حکم می‌کند و به گواه نیاز ندارد.^۴

عدم نیاز به گواه، به این معنا نیست که بدون دلیل، حکمی صادر شود؛ چرا که این با فلسفه ظهور حضرت که برپایی قسط و داد است در تناقض می‌باشد؛ بلکه به این معنا است که در حکومت حضرت در دادگاه عدل ولی خدا، گناهکار از بی‌گناه قابل تشخیص است و تشخیص آن برای حضرت و فرمانبران آن حضرت، به بیینه نیاز ندارد و بدون استثنا، حق به حق‌دار می‌رسد. در آن زمان، ظلم و جنایتی رخ نخواهد داد، مگر اینکه ظالم، مجازات خواهد شد.

۱. سوره ذاریات: ۵۶.

۲. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۴۹

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۱۴-۳۱۵

همچنین در بحث عمل و سیر و سلوک الی الله در زمان ظهور، یاران و شیعیان حضرت این مسیرها را به سرعت طی می‌کنند. در روایتی آمده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقْلِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ: وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا الْخَلِيجَ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشُوا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَنْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَنْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ؛ هنگامی که قائم قیام کند، در هر سرزمین، یک نفر را برمی‌انگیزد و به او می‌گوید: «فرمان تو در کف دست تو است. هر گاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن [مکتوب] است عمل کن.»؛ فرمود: و سپاهی به قسطنطنیه گسیل می‌دارد و چون آنان به کنار خلیج برسند، بر قدم‌های خویش چیزی نویسند و بر روی آب روان شوند. پس رومیان ایشان را بنگرند که بر آب راه می‌روند، گویند: «اینان که اصحاب اویند، این چنین بر آب گام بر می‌دارند؛ خود او چگونه خواهد بود؟» در این هنگام، دروازه‌های شهر را برای آنان می‌گشایند و آنان داخل آن شهر می‌شوند، و در آنجا آنچه بخواهند حکم می‌دهند.^۱

البته روایات متعددی در این باب هست؛ اما از باب شرح و بیان کلام آیت الله بهجت رحمته الله علیه و برای بیان مستندات کلام او در روایات، نمونه‌ای از هر کدام آورده شد.

غیبتی با وقت نامعلوم

آیت الله بهجت رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹-۳۲۰.

در عالم، چنین سابقه نداشته و ندارد که رئیس و رهبری، از مریدان و لشکرش این قدر غیبت طولانی داشته باشد. چه باید گفت؟ معلوم نیست تا کی. در تمام امت‌های گذشته، غیبت شده است؛ ولی در هیچ امتی چنین غیبتی با وقت نامعلوم و غیر مقدر اتفاق نیفتاده است.^۱

با نگاهی به تاریخ انبیای الهی در امت‌های گذشته، این خطر و هشدار، رنگ حقیقت به خود می‌گیرد؛ برای نمونه، بنی اسرائیل در دوران غیبت چهل‌روزه حضرت موسی علیه السلام از دین منحرف شدند.^۲ نکته مهم این بود که وصی حضرت موسی یعنی جناب هارون در بین مردم بود؛ ولی آن‌ها منحرف شدند. مرحوم شیخ صدوق در نقلی بیان می‌کند که قوم نوح علیه السلام از او فرج و گشایش درخواست کردند و چون تأخیر می‌شد، دوسوم پیروان از دین خارج شدند و تنها عده قلیلی ماندند^۳ و این به خاطر تأخیر حدود پنجاه‌ساله و حتی کمتر بود.

بنابراین غیبت امام با وقت نامعلوم که اکنون بیش از 12 قرن از آن می‌گذرد، دوران سختی برای دین‌داری شیعیان و مواظبت بر شناخت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. آیت‌الله بهجت رحمته الله درباره طولانی شدن ایام غیبت و تزلزل ایمان مردم چنین بیان کرده است:

مگر آن روایت را ندیدند که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: [غیبت به قدری طولانی می‌شود که مردم] می‌گویند: «... مَا بَأُلِّ وَلِي الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ...؛ چرا ولی امرت ظهور نمی‌کند؛ در حالی که زمین از جور، آکنده شده است»؟^۴

۱. حضرت حجت، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۲. «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (سوره اعراف: ۱۴۲).

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۱۲.

این عبارت مورد استناد آیت بهجت علیه السلام قسمتی از دعای زمان غیبت است که شیخ صدوق رحمته الله در کتاب کمال الدین آورده است و اصل و منطوق دعا، درخواست از خداوند است که من از افرادی باشم که هیچ‌گاه نگویم: «چرا ولی امر تو ظهور نمی‌کند؛ در حالی که زمین پر از ظلم و جور شده است». مفهوم این فراز از دعا، این است که عده زیادی از مردم در اعتراض به طولانی شدن غیبت می‌گویند: چرا حضرت ظهور نمی‌کنند؟ و این، واقعیت جهان امروز، حتی در بین شیعیان است که مرحوم آیت‌الله بهجت علیه السلام به همین مطلب اشاره دارد:

در بیانی دیگر می‌گویند: (حتی شاید هم روایتی دارد؛ اما سندش چطور است، یادم نیست) «حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»^۱ یک فتنه بزرگی است؛ مثل همین فتنه و بلای غیبت»^۲.

آنچه از روایت در کمال الدین و کتاب شریف کافی آمده، واژه «بامامته» را ندارد. ضمیر «به» قطعاً به امام برمی‌گردد؛ با این حال، نویسنده این نوشتار در پی جست‌وجوی عین عبارت در منابع حدیثی برآمد و حاصل این استقرا، برخورد با مطلبی در کتاب بحار الانوار بود که جناب سید بن طاووس در وصیت خود به فرزندش محمد درمورد محافظت از خود در دوره غیبت، درباره امام زمان علیه السلام این واژه را به کار برده است: «...أَنَّهُ يَغِيبُ غَيْبَةً طَوِيلَةً حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ إِمَامَتِهِ بَعْضُ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهَا...»^۳. تفاوت‌های دیگری در متن وجود دارد؛ لذا همان عبارت کمال الدین نزدیک‌ترین متن به کلام ایشان است.

۱. عین عبارت کمال الدین (ج ۲، ص ۳۸۵) چنین است: «حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَايَتِنَا». در کتاب شریف کافی (ج ۱، ص ۳۳۶)، مرحوم کلینی این روایت را چنین نقل می‌کند: «لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةِ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّهَا هِيَ مَخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ».

۲. حضرت حجت، ص ۱۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۴.

چگونگی برون رفت از فتنه های غیبت

با توجه به این بلیات که در کلام حضرت آیت الله بهجت علیه السلام آمده است، ضرورت پرداختن به راهکار برون رفت از آن بلیات دوران غیبت آشکار می شود. این ضرورت با تفکر در این حدیث نبوی افزون می شود:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مانند مردن زمان جاهلیت، مرده است.^۱

در کلام آیت الله بهجت علیه السلام، راه برون رفت از تحیر موجود در دوران غیبت، دو گونه آمده است:

برون رفت شخصی

آیت الله بهجت علیه السلام درباره برون رفت از این ابتلائات، راهکارهایی را برای افراد به عنوان وظیفه شخصی بیان می کند؛ همانند خواندن نماز حضرت که کار جمعی نیست بلکه فردی باید عمل کنند. دقت کنیم که سفارش های ایشان برای شیعیان جهان است، نه فقط مردم ایران؛ لذا وظایف شخصی برای همه فرد شیعیان جهان، از اهمیت خاصی در حفظ دین در دوره غیبت برخوردار است. در کنار رفتارهای شخصی برای برون رفت از ابتلائات، وی سفارش هایی برای عموم دارد که همه انسان ها باید بدان سمت حرکت کنند؛ همانند توبه و استغفار. در ادامه به بیان برخی وظایف شخصی در کلام آیت الله بهجت علیه السلام می پردازیم:

رابطه خصوصی با حضرت

آیت الله بهجت علیه السلام در مورد برون رفت شخصی، چند چیز را سفارش کرده است: دعا، توسلات و نماز حضرت، و این موارد را بهترین راه برای برقراری ارتباط خصوصی با حضرت دانسته است. در رابطه با دعای شخصی چنین گفته است:

۱. خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶.

راه خلاصی از گرفتاری‌ها، منحصر است به دعا در خلوت، برای فرج ولی عصر عجل الله تعالی فرجه؛ نه دعای همیشگی و لقلقه زبان و صرف گفتن «عَجِّلْ فَرَجَهُ»؛ بلکه دعای با خلوص و صدق نیت و همراه توبه.^۱

همچنین در مورد توسل و نماز، چنین سفارش کرده است:

چه کاری برای رفع این بلاها مؤثر است؟ چیزی که هست، این توسلات به حضرت، نماز حضرت و سایر منسوبات به ایشان، قطعاً مؤثر است. نباید انسان [این توسلات را] فراموش کند.^۲

اول اصلاح خود

آیت الله بهجت رحمته الله در چندین مورد به این بحث پرداخته که خلاصه آن چنین است: آیا راهی برای اصلاح خود و اصلاح دیگران و جامعه داریم یا نه؟ آیا راهی جهت حفظ خود از فساد و اصلاح فاسدهای قابل اصلاح در جامعه وجود دارد یا خیر؟ آن راه، این است که هر شخصی باید برنامه اصلاحیه‌ای برای خود تهیه کند؛ در زمینه توحید و نبوت و امامت و غیره و این‌ها معتقدات بنده است و از روی دلیل بدان عقیده دارم. هر اتفاقی بیفتد، بدان ملتزم باشم. باید اول خودش به آن التزام عملی داشته و به آن متعهد شود؛ پس از اصلاح خود با این برنامه می‌تواند دیگران را اصلاح کند. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً؛ هر کس نفسی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده است.^۳ اشکال در این است که خودمان را اصلاح نمی‌کردیم و نکردیم و نخواهیم کرد. اگر خودمان را اصلاح می‌کردیم، به این بلاها مبتلا نمی‌شدیم. [رسول خدا صلی الله علیه و آله] فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِدَائِكُمْ مِنْ دَوَائِكُمْ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: دَاوُكُمْ

۱. بشارت از حضرت حجت، ص ۲۷۴؛ حضرت حجت، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۱۵۳.

۳. سوره مائده: ۳۲.

الدُّنُوبُ وَ دَوَاؤُكُمْ الْإِسْتِغْفَارُ؛ آیا شما را به دردتان و داروی دردتان راهنمایی نکنم؟

بدانید که درد شما گناهان است و دارویتان استغفار.^۲

دل، جایگاه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

آیت الله بهجت رحمته الله می فرماید:

ما باید حضرت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را حاضر فرض کنیم. هر جا می رود، برویم؛ هر چه می کند، بکنیم و هر چه را ترک می کند، ترک کنیم ...؛ ولی گویا ما نمی خواهیم در راه رضای آن حضرت باشیم.^۳

برون رفت عمومی

در ادامه به چهار مورد توصیه آیت الله بهجت رحمته الله در زمینه برون رفت عمومی اشاره می کنیم:

دعا بالاترین سلاح

در رابطه با توجه و خواندن دعا و تأثیر آن در حفظ خود در دوران غیبت و برون رفت از این وضعیت ناگوار فقدان امام می گوید:

از هزار سال پیش، ائمه ما از این گونه ابتلائات خیر داده اند و راه خلاص و نجات از آن ها را هم برای ما بیان فرموده و نشان داده اند. فرموده اند فلان دعا، از جمله دعای فرج را بخوانید و آن را از نشانه های مؤمن شمرده اند.^۴

همچنین در بحث خواندن دعای فرج چنین گفته است:

نَجَا فِي الْفِتَنِ مَنْ دَعَا بِالْفَرَجِ؛ در فتنه ها کسی نجات پیدا می کند که برای فرج دعا می کند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۲.

۲. حضرت حجت، ص ۱۸۹-۱۹۵.

۳. همان، ص ۲۱۹.

۴. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۵۶.

۵. همان، ص ۱۵۲. نویسنده در منابع حدیثی جست و جو کرد؛ اما این عبارت یافت نشد؛ لذا به نظر می رسد کلام شخص آیت الله بهجت یا متعلق به یکی از بزرگان باشد.

در جای دیگر فرمود:

کاری که از دست ما ساخته نیست، لااقل باید دو کار را مواظبت کنیم؛ یکی اینکه خراب تر نکنیم... دوم بدانیم «من این اوتینا؛ از کجا این گرفتاری‌ها بر ما وارد شده است». ... باید با دعای مضطرانه متوجه یک امر و یک جهتی بشویم که فقط فرج از آن ناحیه است.^۱ لذا پاداش او را چنین گفتند: «... وَاللَّهِ مَا الشَّهِيدُ إِلَّا شَيْعُنَا وَ لَوْ مَاتُوا عَلَى فُرُشِهِمْ».^۲ شیعه چون منتظر است و دعا برای تعجیل فرج می‌کند، مثل این است که همراه امام خود مشغول جهاد باشد.

ما الان به حسب ظاهر، سلاحی بالاتر از دعا نداریم و دعای ما یقیناً مؤثر است. حتی اگر هم فرض کنید اثرش بالفعل نباشد، تأثیرش [این است که فرج] یک مقدار جلوتر می‌افتد. دعای تعجیل فرج دوی دردهای ما است.^۳

بندگی خدا

باید بدانیم مطلب فقط یکی است؛ آن چیست؟ بندگی خدا.^۴ اگر قبل از ظهور دولت حق، خاطر جمع باشیم که بر صراط مستقیم بندگی هستیم، بهتر است؛ لذا باید از گناهان که زمینه ظهور دولت حضرت غایب را برای ما فراهم نمی‌کند، پرهیز نماییم. «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ؛ و هر آسیبی به شما رسد، به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید».^۵

ترک معصیت

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در این رابطه می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۷۵.
۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۶.
۳. حضرت حجت، ص ۲۲۲-۲۵۰.
۴. همان، ص ۲۰۶.
۵. سوره شوری: ۳۰؛ بشارت از حضرت حجت، ص ۲۰۷.

اگر ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه نزدیک باشد، باید هر کس خود را برای آن روز مهیا سازد؛ از جمله اینکه از گناهان توبه کند. همین توبه باعث می‌شود که این همه بلاهایی که بر سر شیعه آمده که واقعا بی سابقه است و بلاهایی دیگری که تا قبل از ظهور آن حضرت پیش می‌آید، از سر شیعه رفع و دفع شود.^۱

همچنین می‌فرماید:

آمدگی در این است که تارک معصیت و منتظر فرمان [او] باشیم.^۲ باید از گناهان که زمینه ظهور دولت حضرت غایب را برای ما فراهم نمی‌کند، پرهیز نماییم.^۳

انتظار خالصانه

آیت الله بهجت رحمته الله می‌فرماید:

انتظار فرج با عافیت طلبی سازگاری ندارد؛ ما باید انتظار فرج حضرت غایب را داشته باشیم و فرجش را فرج عموم بدانیم. در هر وقت و هر حال باید منتظر باشیم؛ ولی آیا می‌شود انتظار فرج آن حضرت را داشته باشیم، بدون مقدمات و تحمل ابتلائاتی که برای اهل ایمان پیش می‌آید؟^۴

در عبارتی دیگر اشاره دارند که اهل گناه بودن با ادعای انتظار آمدن امام زمان عجل الله فرجه

همخوانی ندارد:

۱. همان، ص ۲۰۸؛ حضرت حجت، ص ۱۸۴.

۲. بشارت از حضرت حجت، ص ۱۷۴.

۳. حضرت حجت، ص ۱۸۳.

۴. بشارت از حضرت حجت، ص ۲۰۸؛ حضرت حجت، ص ۱۸۴.

اهم مقدمات انتظار فرج را که توبه و طهارت از گناهان است، تحصیل کنیم.^۱
و در ویژگی سوم انتظار خالصانه می‌فرماید:
کسانی منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه
برای برآوردن حاجات شخصی خود.^۲

نتیجه‌گیری

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه مباحث دوران غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالیه را در چهار عنوان زنجیره وار تبیین کرده
اند؛ ابتدا در این نوشتار چگونگی غیبت در بیانات ایشان مورد بحث واقع شد که از کلمات ایشان
سه مورد برداشت شد. یک. برخورداری از تفضلات حضرت بدون رؤیت؛ دو. دیدار بدون رؤیت
حضرت و سه. دیدار با رؤیت امام زمان عجل‌الله‌تعالیه.
در ادامه به حکمت‌ها و ادله غیبت در بیانات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه پرداخته شد که از منطوق
کلمات و مفهوم سخنان ایشان به چهار علت عدم بیعت با طاغوت زمانه، خوف از قتل، حفظ
کیان اسلام، امتحان مردم پرداخته شد.
بحث سومی که در رابطه با دوران غیبت در کلمات ایشان برجسته بود ابتلائات دوران غیبت و
محرومیت‌هایی بود که با غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالیه برای شیعیان به وجود آمده است که به فراخور
استطاعت مقاله‌گنجینی از بیانات ایشان مورد بررسی قرار گرفت.
در نهایت آنچه ضرورت پیدا کرد برون رفت از این ابتلائات برای شیعیان بود که در کلمات گهربار
آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه متعدد پرداخته شده بود که نیاز به مطالعه دقیق و برداشت بهره‌بردار از مطالب
این مرجع و عارف عظیم‌الشان بود در بسیاری از موارد به متن کلام ایشان بسنده شد و از تحلیل
و زیاده‌گویی پرهیز شد.

۱. همان، ص ۲۰۹.

۲. همان، ص ۲۱۹.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، علی، الامامة و التبصرة، قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۳۶۳.
۲. اصفهانی، میرزا محمدتقی، مکیال المکارم، تحقیق: سیدعلی عاشور، بیروت: الأعلمی، ۱۴۲۱ق.
۳. بهجت، محمدتقی، بشارت از حضرت حجت، تدوین: جمعی از شاگردان آیت الله بهجت رحمته الله، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۴۰۲.
۴. _____، حضرت حجت، تدوین: جمعی از شاگردان آیت الله بهجت رحمته الله، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۴۰۲.
۵. جمعی از نویسندگان، انسان، راه و راهنمائی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۶. حلی علامه، حسن بن یوسف، منهاج الکرامه، مشهد: مؤسسه تاسوعا، ۱۳۷۹.
۷. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر، مصصح: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۸. خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۳ق.
۹. رحیمی جعفری، محسن، حقیقت غیبت از منظر روایات، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰.
۱۰. سبحانی، جعفر، الالهیات، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی؛ کمال الدین و تمام النعمه، مصصح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵.
۱۲. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مترجم: بهراد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۴. طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود عليه السلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۱۵. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، تحقیق: احمد الحسینی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، **الغیبة**، قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۷. _____، **تهذیب الاحکام**، مصصح: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. علم الهدی، سیدمرتضی، **المقنع** (امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام)، قم: جمکران، ۱۳۸۳.
۱۹. فراتی، عبدالوهاب، «**آیت الله بهجت** و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت»، مجله علوم سیاسی، ش ۴۵، بهار ۱۳۸۸.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، تصحیح: اسعد الطیب، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. _____، **اصول کافی**، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. _____، **مرآة العقول**، تصحیح: سیدهاشم رسول محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، مصصح: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۹ق.
۲۶. _____، **الغیبة**، ترجمه: محمدجواد غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۹.